



پژوهشگاه جنبش معلمان

بخش اسناد

طرح تشکیل شوراهای مدارس کانون مستقل معلمان تهران

اسفندماه ۱۴۰۳

کانون مستقل معلمان تهران طرح تشکیل شوراهای مدارس

(طرح ارائه شده از طرف کانون مستقل معلمان تهران)

تاریخ انتشار:

۱۳۵۸

طرح تشکیل شوراهای مدارس

کانون مستقل معلمان
تهران

درود به :

دانش آموزان و معلمانی که با تلاش و مبارزه بی امان خود ،
باهمبستگی و اتحاد باز حمتکشان میهنمان ، بساط ننگین
حکومت جابرانه پهلوی را درهم شکستند .

درود به :

آنها که با شرکت فعال خود در حرکت های سیاسی به تجربه
خود میافزایند و با ارتقاء سطح آگاهی شان جهت استقرار
شوراهای واقعی و اعمال قدرت اجرایی برای شوراهای میکوشند ،
شعار " شورا " شعاری است که درست در بطن انقلاب
هنگامیکه توده های پیاخاسته اند و جهش و خیزش انقلاب پویائی
و بینشی عمیق در وجودشان بارور نموده است ، نمودار میگردد ،
خلق شعار " شورا " را سرمیده تا با تشکیل آن بتوانند در
تصمیم گیری برای سرنوشت خود سهیم باشد .

" شورا " ارگانی است که بر اساس انتخاب از پائین شکل
میگیرد یعنی هیچ انتخابی نمیتواند از طرف مقام های بالا
صورت گیرد و تنها توده ها هستند که از میان خود ، مسئولان امور
مختلف را انتخاب میکنند و بر کار آنها نظارت دارند ،

از اینروست که پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری پهلوی ،
خلق های پیاخاسته مانیز شعار " شورا " را سر داده و برای

تشکیل آن تلاش ورزیده‌اند .

معلمان و دانش‌آموزان آگاه نیز موظفند در راه ایجاد شوراهای واقعی مدارس کوشش کنند و برای بارور کردن شوراهائی که در مدارس تشکیل میشود ، در آن‌ها شرکت جویند ، برای کسب قدرت اجرائی شورا بکوشند و شوراهای فرمایشی را افشاء کنند .

در رژیم دیکتاتوری پهلوی شاهد بودیم که توده‌ها حق هیچ دخالتی در تعیین سرنوشت و امور مربوط به خود را نداشتند . همه تصمیم‌ها از بالا گرفته میشد و طبیعی است که این تصمیمها تنها منافع اقلیت حاکم را در نظر داشت و نه توده‌های زحمتکش را .

این یکی از خصائص عمده رژیمهای وابسته به امپریالیسم است که توده‌های مردم را در دستگاه پیچیده اداری مثل مهره‌هائی بی‌اراده به حرکت درمی‌آورند تا منافع امپریالیسم و وابستگان آن به بهترین نحو تامین گردد .

در حیطه آموزش و پرورش نیز مثل سایر بخشها ، ما شاهد تسلط سیستم بوروکراسی که کلیه محصلان ، معلمان و دیگر کارکنان این بخش را از هرگونه حق اظهار نظر محروم کرده و نظام دیکتاتوری و اصل اطاعت بی چون و چرا از مافوق را بنا

تحمیل میکرد بودهایم .

برای نمونه میتوان از انتصاب مدیران آموزش و پرورش، مدیران مدارس و سایر مقامات نام برد که چه بسا از استانی به استان دیگری مدیرکل صادر میشد بدون آنکه به اوضاع منطقه آشنا بوده و یا اصولاً " لیاقت مدیریت داشته باشد .

طبیعی است که با چنین سیستمی ، اختناق و فشار نیز همراه است و کسی حق اظهار نظر و انتقاد از وضع موجود را ندارد از جمله در مدارس که همواره شاهد فشار شدید به معلمان و دانش آموزان آگاه از طریق اداره های منفور حفاظت که همه چیز را تحت کنترل خود داشتند ، بوده ایم .

سال گذشته ، با اعتلاء جنبش توده های که به قیام شکوهمند بهمن انجامید و در چند ماهه پس از آن دانش آموزان ، معلمان و سایر کارکنان مدارس نیز مثل سایر اقشار تحت ستم که از جور دیکتاتوری و فشار و اختناق بجان آمده بودند ، خواستار حقوق تصمیم گیری در امور مربوط به خود و گرفتن قدرت اجرایی در محدوده امور صنفی - سیاسی خود شده اند ، از این نظر ضرورت تشکیل ارگانهائی که قدرت جمع را در خود متبلور کرده و بتواند آنها را در تصمیم گیری برای امور خود سهیم کند ، برای فرهنگیان نیز آشکار گشته است .

این چه ارگانی است که میتواند خواست توده ها را همانطور که هست ، منعکس کرده و به مرحله اجرا در آورد ؟ شوراهای واقعی

که ارگانهای حاکمیت مردم بر مردمند .

معلمان و محصلان آگاه در هر مدرسه برای رفع نیازهای صنفی - سیاسی خود ، ضرورت تشکیل شوراهای واقعی را حس کرده و برای ایجاد آن در مدارس ، تلاش ورزیده اند .

فرهنگیان بخوبی باین امر پی برده اند که تنها ارگانی میتواند به مسائل و مشکلات آنان پاسخ گفته و نیازهایشان را برآورد که از نمایندگان واقعی آنها تشکیل شده باشند شوراهای فرمایشی که هیچگونه قدرت اجرایی ندارند . و تنها اسمی از شورارابا خودیدک میکشند و در واقع کاریکاتوری از شورامیباشند .

در کنار این شوراها ، ضرورت ایجاد کانونهای دموکراتیک دانش آموزان و معلمان ، با هدف مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع که نمیتواند از فعالیت در جهت احقاق حقوق دموکراتیک محصلان و معلمان جدا باشد ، بخوبی محسوس است .

ما معتقدیم که شوراهای واقعی و کانونهای دموکراتیک در مدارس میتوانند در رابطه ارگانیک با یکدیگر بوده و در پیشبرد هدفهای مربوط به هر کدام یاری دهنده موثری باشند .

از نظر ما، تنها ارگانی میتواند " شورای واقعی " نامیده شود و بانهادهای پوسیده، بوروکراسی مبارزه کند که خود عالی ترین مرجع تصمیم گیری بوده و دارای قدرت اجرایی جهت اجرای خواست و نظرات انتخاب کنندگان خود باشد. شورائی که اعضای آن برای مخفی، مستقیم و آزاد جمع انتخاب شده، فعال، آگاه، بی تعصب و قاطع باشند، با انتخاب کنندگان خود همواره در رابطه ای نزدیک و مستقیم بوده و از نیازها و مشکلات آنها آگاهی داشته باشند، مشخصا در مورد مسائلی که نیاز به مشورت با جمع دارد، تصمیم بگیرند و اراده خود را به جمع تحمیل نکنند. همواره بیاد داشته باشند که تنها سخنگو و مجری نظرات انتخاب کنندگان خود میباشند. عملکرد شوراهای واقعی در مدارس، اعمال اراده دانش آموزان، معلمان و کارکنان جزء بر امور مدرسه است. هر ارگانی که نام شور را بر خود نهد و دارای محتوایی بجز آنچه در بالا بیان کردیم باشد، شورای واقعی نبوده بلکه، ارگانی فرمایشی، با چهره ای مسخ شده و بی آب و رنگ از شورامی باشد.

وزارت آموزش و پرورش نیز در پی فشارهای پی در پی
محصلان و معلمان و حرکت آنها در جهت ایجاد شوراهای
مدارس، بالاخره، بخشنامه‌ای برای شوراهای دانش‌آموزی و
هماهنگی تنظیم و منتشر نموده است که نظری اجمالی بر آن
میتواند، نمونه‌ای از برخورد دولت و یکی از بخشهای آن یعنی
وزارت آموزش و پرورش با مسأله شوراهای ابداعی دهد. ما در
این بخشنامه نیز شاهدیم که شوراهای انقلابی و مورد
خواست توده‌ها تهی شده و هیچگونه حق تصمیم‌گیری و یا
قدرت اجرایی در آن در نظر گرفته نشده است و تنها حق مشورت
را برای محصلان و معلمان قائل میشود.

در این بخشنامه، ضرورت تشکیل شورای دانش‌آموزی باین
صورت بیان میشود:

"شورای دانش‌آموزان از نمایندگان منتخب آنان تشکیل
میگردد که با توجه به مقررات و آئین نامه‌ها و امکانات مدرسه در
جهت تعالی کمی و کیفی آموزشگاه، همفکری و مشورت نموده و
تصمیمات متخذه را به رئیس مدرسه ارائه مینمایند."

از ابتدای بخشنامه، تاکید شده که به مقررات و امکانات باید
توجه شود. حق تصمیم‌گیری را هم تلویحا "به رئیس مدرسه

داده و برای محصلان تنها نقش مشورتی قائل شده است و نه بیشتر .

در قسمت مربوط به تشکیلات شورا ، عنوان شده که :

" در اولین جلسه شورا ، رئیس مدرسه یا آموزشگاه شرکت میکند و دانش آموزان را از مقررات عمومی آموزش و پرورش و مفاد کلیه آئین نامه ها و بخشنامه ها و دستورالعمل های صادره ، آگاه ساخته و " یعنی که محصلان حق ندارند به مصالح و منافع خود آزادانه بیندیشند و تصمیم بگیرند بلکه باید در چارچوب این آئین نامه های از بالا صادر شده ، برای حل مشکلات و نارسائی ها اندیشه کنند . این مساله خود در نفس عمل ، نقض آشکار حاکمیت دانش آموزان بر امور مربوط به خود می باشد ، حتی اگر تصور کنیم که کلیه آئین نامه ها و بخشنامه ها منطبق بر خواست دانش آموزان است که در واقع ، چنین چیزی هم ممکن نیست چون معمولاً در نظامی که اصل انتصاب از بالا بجای اصل انتخاب از پائین عمل میکند ، آئین نامه ها ، مجموعه ای از اصول خشک و بیروح هستند که با ضوابطی خاص تنها در جهت منافع اقلیتی نوشته میشوند .

در مقدمه شرح وظایف آمده :

" شورای دانش آموزان جنبه صنفی و رفاهی دارد و هدف از تشکیل آن این است که کلیه دانش آموزان در حل مسائل و

و مشکلات آموزشگاه از طریق شور شرکت فعالانه داشته باشند .
 محدود کردن شوراها در حد صنفی و رفاهی با توجه باینکه مساله صنفی و رفاهی هیچگاه نمیتواند از مسائل سیاسی جامعه جدا باشد و در واقع مسائل صنفی و سیاسی رابطه تنگاتنگ بایکدیگر دارند ، بازهم مثله کردن شورا و عملکرد واقعی آنست .
 با چنین مقدمه ای بخوبی روشن است که وظایف این شورا چگونه دسته بندی شده است .

خوبست بعنوان نمونه به اصل ۷ نظری بیفکنیم :
 " شورای دانش آموزان برای پیشبرد هدفهای خود میتواند محل کمک مالی و خودیاری دانش آموزان و مساعدت های انجمن خانه و مدرسه استفاده نماید . " گویا بودجه مدرسه برای مسائلی جز اهداف دانش آموزی باید مورد استفاده قرارگیرد و محصلان موظف شده اند برای پیشبرد هدفهایشان از خود دانش آموزان کمک بگیرند ، در اینجا بخوبی روشن است که وزارت آموزش و پرورش تنها برفع خود مسائل راطرح میکند نه برفع دانش آموزان .

ضرورت ایجاد شورای هماهنگی " ایجاد هماهنگی لازم در فعالیت های شورای دانش آموزان و بررسی و اظهار نظر درباره برخی از تصمیمات و پیشنهادهای شورای دانش آموزان که امکانات اجرائی آنها برای رئیس آموزشگاه فراهم نباشد " ذکر شده است . در اینجا شورای هماهنگی بجای اینکه

عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در مدرسه باشد، باید پاسخگوی شورای دانش‌آموزی و توجیه‌کننده بی‌عملی رئیس مدرسه باشد. همانگونه که در شماره ۳ وظایف آمده: این شورا باید دلایل عدم امکان اجرای بعضی پیشنهادهای تصمیمات شورای دانش‌آموزان را به آنها اعلام کند.

شورای هماهنگی بزعم وزارت آموزش و پرورش تنها برای یاری رساندن به رئیس آموزشگاه و مقامهای بالاتر باید تشکیل شود. شورای نهائی هم که به‌ابتکار مسئولان کنونی پیشنهاد شده و در واقع عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری ذکر شده دارای ترکیبی قابل توجه است:

رئیس آموزش و پرورش یا یکی از معاونان - کارشناس مسئول یا مسئول امور تربیتی - رئیس مدرسه - معلم پرورشی (عضو شورای هماهنگی که در آنجا هم به پیشنهاد رئیس مدرسه انتخاب میشود) - معلم منتخب دانش‌آموزان و ۳ نفر دانش‌آموز (که این عده هم عضو شورای هماهنگی هستند).
 با توجه به ترکیب این شورا، روشن میشود که آراء نمایندگان در کدام کفه سنگین‌تر است، بخصوص که برای تصمیم‌گیری از ۸ نفر اعضاء این شورا باید حداقل ۷ رای موافق داده شود.
 حال هرکسی میتواند قضاوت کند که چه تصمیماتی از این به اصطلاح شورا بیرون می‌آید؟

گذشته از این بخشنامه، بطورکلی در چند ماهه اخیر هم، باکمال تأسف شاهد کارشکنی های مسئولان امور در ایجاد شوراهای واقعی مدارس بوده ایم. همواره به انحاء مختلف سعی شده است در ایجاد فضائی دموکراتیک که یکی از شرایط لازم برای تشکیل شوراهای واقعی است جلوگیری بعمل آید، بارها شاهد انحصار طلبی جناحی خاص در محیط های مدرسه و حمایت آنها از بالا بوده ایم.

اینها موانعی جدی در راه تشکیل شوراهای واقعی مدارس - میباشند و عناصر آگاه و مترقی باید بکوشند، با تلاشی پیگیر و مداوم، از کارشکنی انحصار طلبان جلوگیری کرده، برای ایجاد شوراهای واقعی در مدارس فعالیت کنند. باید شوراهائی را تشکیل دهند که اعضاء آن منتخب واقعی آنها بوده و هر عضوی بتواند آزادانه نظرش را ارائه دهد. شوراهائی که صحنه مبارزه عقاید متفاوت بوده و در آن با بحث و تبادل نظر، بهترین راه برای حل مشکلات برگزیده شود. شوراهائی که با قدرت توده ای که در پشت خود دارد، اراده خویش را در مدرسه اعمال کرده و خواسته های انتخاب کنندگان خود را پیگیرانه، بمرحله اجرا درآورد.

معلمان و دانش آموزان آگاه موظفند، شوراهای فرمایشی و شوراهای قلابی را که تنها جنبه مشورتی دارند و از محتوای واقعی خود تهی شده اند، افشا کنند و ماهیت آنها را نشان دهند.

ما با اعتقاد بر اینکه فعالیت در راه ایجاد شوراهای واقعی مدارس و افشای شوراهای فرمایشی هر چند با کارشکنی روبرو شود، گامیست در جهت شرکت واقعی معلمان و دانش آموزان در امور مدرسه و عاملیست موثر در ارتقاء سطح آگاهی دانش آموزان، کوشیده ایم طرحی هر چند ناقص، برای تشکیل وظایف شوراهای مدارس در زیرارائه دهیم، باین امید که این طرح خود راهگشائی باشد برای فعالیت هر چه گسترده تر دانش آموزان و همکاران مبارز ما در واحدهای آموزشی.

شورای معلمان ارگانی صنفی - سیاسی است که معلمان یک مدرسه را در بر میگیرد و تشکیل میشود از نمایندگان واقعی معلمان، صنفی از این لحاظ که صنف معلم دارای نیازها و منافع مشترکی است که باید در راه برآوردن آنها از طریق نمایندگان خود در شوراهای اقدام کند، "سیاسی" نیز از این لحاظ که قشر معلم، بدلیل موقعیت خاص و حساس خود و نقشی که در تربیت نسل جوان میهن ما دارد، میبایست با مسائل اجتماعی سیاسی برخورد فعال داشته و زمینه مناسبی برای ارتقاء دانش سیاسی - اجتماعی محصلان فراهم نماید.

مانه‌تنها در رژیم گذشته شاهد فشاری روزافزون بر معلمان جهت جلوگیری از فعالیت سیاسی آنها در مدارس بوده‌ایم بلکه در چند ماهه پس از قیام نیز با نمونه‌های فراوانی از تهدید و ارباب و حتی اخراج معلمان آگاه و مترقی و ایجاد شکساف و جدائی از هر طریق بین معلم و دانش آموز هستیم بهمین دلیل برای معلمان ضروریست که در جهت تامین آزادیهای سیاسی در مدارس و ایجاد فضائی آزاد و دموکراتیک در محیط کار خود، از طریق شوراهایشان پیگیرانه تلاش کنند.

معلمان مدرسه از میان خود برای آزاد، مساوی، مستقیم و مخفی، نمایندگان خود را انتخاب میکنند. تعداد نمایندگان بستگی به تعداد معلمان مدرسه داشته و معمولاً "به نسبت ۱ نماینده برای هر ۱۰ نفر میباشد."

شورای معلمان از میان اعضاء شورا حداقل ۲ نفر را بعنوان نماینده به شورای هماهنگی میفرستند. در صورتیکه نماینده‌ای بطور فعال و پیگیر مسائل و نیازهای معلمان را دنبال نکند و یا در صدد تحمیل عقیده خود بر آید، مجمع عمومی میتواند با اکثریت آراء، قبل از موعد مقرر، این نماینده را از سمت خود برکنار کرده و نماینده دیگری را بجای او برگزیند. تصمیمات شورای معلمان با اکثریت آراء (حداقل نصف + ۱)

قابل اجراست .
معلمان آگاه موظفند با شرکت فعال خود در شورای معلمان
در ارتقاء عملکرد آن بکوشند .

شورای دانش آموزی نیازگانی است چون شورای معلمان که
در جهت اعمال اراده دانش آموزان بر امور مدرسه بکمر
معلمان آگاه و مترقی ، فعالیت میکند و وظایف عمده اش به
مسائل سیاسی محصلان و نیازهای رفاهی آنان مربوط میشود .
واقعی بودن شوراهای دانش آموزی نیز چون هر شورای دیگری
به نحوه عملکرد آن ، قدرت تصمیم گیری و اجرایی آن و -
نمایندگانی که در آن جمع شده اند بستگی دارد . اگر نمایندگان
در محیطی آزاد و بدون هیچ اعمال نظری ، بطور مستقیم از
طرف محصلان انتخاب شده ، فعال و در انجام وظایف خود
پیگیر باشند ، نسبت به نظرات و عقاید مختلف بی طرفی را
رعایت کنند و با نیروی جمعی که انتخابشان کرده است ، مسائل
را حل و فصل نمایند و خود در امور اعمال نظر نکنند ، آنگاه
میتوان نام شورای واقعی را بر آن نهاد .
دانش آموزان آگاه موظفند در شوراهای دانش آموزی بطور
فعال شرکت جویند و عملکرد آنها را ارتقاء دهند .

۱- نحوه انتخاب نمایندگان شوراباینصورت است که در هر کلاس ۲ نماینده بارای مخفی، مستقیم، مساوی و آزاد، از طرف محصلان انتخاب میشوند و نحوه انتخاب باینصورت است که هر محصل میتواند فقط به یک نفر رای بدهد.

۲- نمایندگان شورا، جلسات مرتبی با حداقل سه چهارم اعضا تشکیل داده و مسائل و مشکلات محصلان مدرسه را مورد بحث قرار میدهند.

۳- اعضا شورا از بین خود بارای مستقیم و مخفی به نسبت تعدادشان (هره ۱ نفر یک نماینده) و حداقل ۲ نماینده برای شرکت در شورای هماهنگی انتخاب میکنند.

۴- مدت نمایندگی باید ثابت باشد اما در صورت کم کاری و تعلل نماینده هر کلاس، دانش آموزان آن کلاس میتوانند با اکثریت آراء او را از سمت خود برکنار کرده و فرد دیگری را بجای او برگزینند.

۵- تصمیم گیری در شورا بارای اکثریت (حداقل نصف + ۱) اتخاذ میشود.

شورای هماهنگی که وظیفه هماهنگ کردن برنامه کار

شورای دانش آموزان و معلمان را بعهده دارد و عالی ترین مرجع تصمیم گیری در مدرسه می باشد دارای ترکیب زیر می باشد .

- ۱- حداقل ۲ معلم منتخب شورای معلمان
 - ۲- حداقل ۲ دانش آموز منتخب شورای دانش آموزان
 - ۳- حداقل یک نماینده از طرف خدمتکاران مدرسه
 - ۴- یک نماینده از طرف کادر اداری
 - ۵- یک نماینده از طرف اولیای دانش آموزان
 - ۶- یک رابط که از طرف شورای هماهنگی برای ارتباط گیری با آموزش و پرورش انتخاب میشود .
- تبصره :

از آنجا که در بسیاری موارد دیده شده که اعضاء انجمن های خانه و مدرسه سابق که با در نظر گرفتن ضوابط گذشته ، ترکیبی موافق منافع کلیه محصلان را نداشته اند ، امسال نیز در مدارس رشته کارها را بدست گرفته اند ، طرحی در اینجاست پیشنهاد میکنیم تا ترکیب و عملکرد این انجمن ها تغییر کرده و شورای واقعی اولیاء تشکیل شود تا این صورت که اولیای یک کلاس از میان خود برای مخفی مستقیم و آزاد یک نفر را بعنوان نماینده انتخاب میکنند . این نمایندگان جلسات خود را با حضور یکی از نمایندگان شورای معلمان برگزار میکنند و از میان این اعضاء یک نفر بارای مخفی و مستقیم برای شرکت در شورای هماهنگی برگزیده میشود . در این رابطه دانش آموزان موظفند

اولیاء خود را برای شرکت در این شوراها، ترغیب نمایند.

- ۱- حق انتخاب مدیر از بین کارکنان فعال و صادق مدرسه
- ۲- نظارت کامل بر کار مدیریت و اختیار تعویض مدیر و معاون در صورت تکرر و بی اعتنائی به پیشنهادات و خواسته های شورا.
- ۳- ایجاد محیطی آزاد برای فعالیت و بحث و تبادل نظر معلمان و دانش آموزان با هر نوع عقیده و طرز تفکر.
- ۴- جلوگیری از اخراج معلمان و محصلان مترقی بجرم فعالیت سیاسی در مدرسه.
- ۵- حفظ استقلال و امنیت محیط مدرسه و جلوگیری از دخالت افراد پلیس در مسائل داخلی مدرسه.
- ۶- جلوگیری از تفتیش عقاید معلمان و محصلان بوسیله هر مقام و تحت هر عنوان، همچنین کوشش در جهت ریشه کن کردن جاسوسی و خبرچینی در مدارس.
- ۷- اخراج کارکنان وابسته به دستگاه منفور ساواک از محیط مدرسه.
- ۸- تلاش در جهت وادار کردن دولت به پرداخت کمک هزینه تحصیلی به فرزندان زحمتکشان.
- ۹- تبلیغ و ترویج طرح آموزش "رایگان - اجباری" در کلیه

- مدارس کشور".
- ۱۰- تبلیغ و ترویج فرهنگ انقلابی و مبارزه با فرهنگ
امپریالیستی.
- ۱۱- نظارت بر بودجه مدرسه و تقسیم آن بر حسب الویت
نیازهای موجود در آن محیط آموزشی.
- ۱۲- ایجاد امکانات رفاهی برای دانش آموزان، خدمتکاران
و معلمان از طریق استفاده از بودجه مدرسه (از نوسازی مدرسه
گرفته تا تهیه بخاری، درست کردن بوفه، شرکت تعاونی،
اطاق مناسب برای مستخدمان و غیره).
- ۱۳- نظارت بر امور فوق برنامه، ایجاد کتابخانه مناسب
برای مدرسه و تلاش در جهت گسترش فعالیت های هنری، ادبی
روزنامه نگاری و غیره در مدرسه از طریق ایجاد زمینه مناسب
این فعالیت ها.
- ۱۴- فعالیت در جهت ارتقاء دانش سیاسی - اجتماعی
محصلان از طریق ایجاد کلاسهای بحث آزاد، گذاشتن
سخنرانیهای مفید و غیره.
- ۱۵- نشان دادن مفهوم شورای واقعی از طریق عملکرد خود
و اقشای شوراهای فرمایشی و مشورتی.
- ۱۶- ارتباط با شوراهای مدارس دیگر در جهت هماهنگ
کردن کار شوراهای مدارس مختلف با یکدیگر.
- ۱۷- ایجاد زمینه مناسب فعالیت برای کانونهای دموکراتیک
در مدرسه و ارتباط فعال با کانونهای دموکراتیک معلمان و

۰ محصلان

تبصره ۱^۰

شورای هماهنگی باید هر هفته یا هر ۱۰ روز یکبار جلسات مرتبی با اکثریت اعضا تشکیل داده و در جلسات اولیه اساسنامه شورارا تنظیم کند.

تبصره ۲

تصمیم گیری در شورای هماهنگی نیز باید با اکثریت اعضا (حداقل نصف + ۱) باشد.

تبصره ۳

محصلان، معلمان و سایر کارکنان وظیفه دارند همواره به نحوه عمل و فعالیت های نمایندگان خود توجه داشته و اعمال آنها را کنترل کنند و با انتخاب نماینده، کار خود را تمام شده نپندارند بلکه بطور پیگیر مراقب نمایندگان خود باشند تا بمحض اینکه نماینده ای در انجام وظایفش تعلل ورزد و یا از مسیر درست منحرف شود، او را برکنار کنند.

علاوه بر وظایف مشترکی که کارکنان مدرسه با محصلان دارند و در شورای هماهنگی ذکر شد، وظایف خاص شورای معلمان و محصلان را در اینجا ذکر میکنیم.

۱- آشنائی نزدیک با مسائل و نیازهای معلمان و دانش آموزان و ارتباط مداوم و مستقیم با آنها.

۲- تبلیغ و ترویج فرهنگ انقلابی و مردمی و مبارزه با فرهنگ امپریالیستی.

۳- شرکت فعال در تغییر یا تدوین کتب درسی.

۴- رسیدگی به کمبود کادر دبیران و معلمان متخصص و ورزیده و کوشش در جهت تامین کادر از طریق طرح در شورای هماهنگی و پیگیری آن.

۵- هماهنگ کردن فعالیت سیاسی گروههای مختلف دانش آموزی و ارتباط فعال با کانونهای دموکراتیک دانش آموزی موجود در مدارس (وظیفه خاص شورای دانش آموزی).
۶- شرکت فعال در شورای هماهنگی و ارائه طرحهای عملی برای ارتقاء عملکرد شورای هماهنگی.

۷- جلوگیری از هزمارمی که به اختلافات عقیدتی در مدرسه دامن میزند. برای این امر شورای وظیفه دارد فعالیت همه دانش

آموزان را بطوریکسان هماهنگ نمایند و به محصلان پیاموزد که
به عقاید یکدیگر احترام بگذارند و انتقادهای سازنده را پذیرا
شوند .

تبصره^۱

وظایف مشترک شوراهای مدارس باید در تک شوراهای
بررسی شده و بعد به شورای هماهنگی برده شود .

تبصره^۲

وظایف خاص هرشورا باید در شورای هماهنگی مطرح شود .

پژوهشگر
جنبش معلمان